

انسان بقدری فراموش کار است که وقتی شکمش سیرشد گرسنگی را فراموش میکند، با اینکه فاصله زیادی بین گرسنگی و سیری نیست، بنا بر این مسلم است که انسان دائماً و مستمراً احتیاج بیاد آوری دارد و افراد زیادی را می بینیم بعوض آنکه از مشاهده دیگران عبرت کافی گیرند، مادامیکه خودشان بگرفتار نشوند و عظه پذیر نیستند اینست که انسان بهر درجه از ترقی نائل شود طبیعتاً روی این اساس خلق شده است، اینست سر همه مصائبی که انسان از شکنجه های طبیعت و از دست حیوانات میکشد چه بسا مصیبت هایی که باعث اصلاح حال شخص و ترک معصیت می شود، مادامیکه دنیا فقط خانه آزمایش و امتحان است ثروتمند تندرست بر فقیر مریض مزیتی نخواهد داشت مگر آنکه ثروتمند تندرست سپاسگزار نعمت های خدا باشد و فقیر مریض در تحمل مصائب صبر نماید.

بیداریها غالباً اشخاص ناتوان را از بین میبرد و افراد را که صلاحیت بقاء داشته باشند، نگاه میدارند، بدین طریق نوع انسان ترقی میکند و بر مقاومتش در مقابل امراض میافزاید. در نتیجه تغییراتی در غده های داخلی ایجاد میشود که نسبت به جسم و عقل انسان مؤثر است، ناگفته نماند که علم پزشکی از لحاظ فراموشی که امراض برای نوع بشر در بردارد، هنوز در مرحله طفولیت است. با این حال مثالهای فراوانی داریم مانند عملی که میکروبهای حصبه برای معالجه رماتیسم مزمن انجام میدهند و اثریکه تب مالاریا در عوارض نخاع دماغی سیفلیس بکار میبرد و یا زهر حیوانات در اقسام رماتیسمهای مزمن، بهر حال هر چه علوم پیشرفت نماید آشکار میشود که از مرگ راه مفرو فراری نیست. چه نادانی و ظلمی بالاتر از اینکه ما بر آفرینش خرده گیریم، یقین بدانید که هنوز ما تا سرحد کشف اسرار عالم وجود خیلی فاصله داریم، مرگ حق است، شاه و گدا خواهند مرد، از مرگ نمی توان جلوگیری کرد و اینکه طبیعیون مرگ را فنای محض میدانند مبتنی بر غرض و اشتباه است، مرگ فنای محض نیست بلکه يك عمل استحاله میباشد.

قل لو كنتم فی بیوتكم لبرز الذین كتب علیهم القتل الی مضاجعهم (آیه ۱۴۵  
سوره آل عمران)

ترجمه . بگو اگر چه در خانه هایمان بمانید کسانی که در باره آنها قتل نوشته شده بقیبر های خود کشیده خواهند شد .

تفسیر پزشکی : این آیه انسان را بنا توانی و نادانی متذکر میسازد و بساوی فهماند همانطور که بشر حکومت بر ولادت خود ندارد اختیاری در رفتن خود نیز نخواهد داشت و حتی عقل انسان در عصر حاضر با همه اختراعات و اکتشافات محیر العقول علاوه بر آنکه نتوانسته است مانع مرگ شود با آنکه در حالات عادی بوسیله عقل بر همه اشیاء حکومت می کند همان عقل گاهی از اوقات انسان را بمرغمی که در انتظارش هست نزدیک میکند و با تمام پیش بینیها و پیش گیریهای مسلم حفظ الصحة که انسان برای فرار از مرگ بکار میرد اغلب افراط در همان پیش گیریها او را بمرگ نزدیک میکند و مرگی که از آن فرار میکند بملاقاتش می آید . بیان این موضوع ناتوانی و نادانی انسان را نشان میدهد و نقص اطلاع و معرفت و ادارش می کند به آنچه که میخواست از آن احتراز جوید گرفتار نماید و انسان در مقابل حوادث مانند کودکی است که در محیط زندگی قادر بدفاع از خود نیست . پزشکان بهتر از هر کس باین معنی پی برده اند ( مشروط بر آنکه لذائذ دنیا و خوشگذرانیها قلب آنان را تاریک نکرده باشد ) زیرا در طول مدت فن شریف طبابت هر روز ضمن مداوای ناخوشیها مواجه با بیمارانی شده که حقیقت غیر قابل انکار عمر دست دیگر بست را در عمل بآنان ثابت میکند . چه بسیار بیمارانی که در اثر ناخوشی مطابق قواعد و آثار طبی محکوم بمرگ می باشند و مرض آنها بر حسب صورت ظاهر نزدیکی آنان را بخانه قبر نشان میدهد و طبیب معالج از نظر ادعوظیفه و یا دلخوشی کسان مریض مایوسانه بمداوا ادامه میدهد و بقتلاً آثار حیات غیر قابل انتظاری در مریض مشاهده شده و بیمار محکوم بمرگ شفای یابد . عکس قضیه نیز در نزد اطباء زیاد دیده میشود که بدون جهت و سبب ظاهری بیماری که بیچوجه انتظار مرگش را ندارند در حین مداوا از دستشان میرود که با هیچیک از قواعد طبی این قبیل مرگها تطبیق نمی کند . میلیونرها و ثروتمندان شیفته دنیا که با حرص و ولع زیادی عاشق دلباخته دنیا بوده و حتی از اسم مرگ نیز وحشت می کنند ، اغلب

بعلت دست بدامان شدن این طیب و آن طیب و توسل بداروهای شیمیایی بدست خود مرگی را که در کمین آنهاست می یابند و بآن تسلیم میشوند.

پیر مردان و پیر زنان سرمایه دار که شب و روز متمسک بخوردن اقسام ویتامین های نیروده میباشند و از ترس مرگ خواب را دست را بر خود حرام کرده و بوسیله مصرف دارو های مسموم و خواب آور ایجاد خواب می نمایند بایستی بدانند بالاخره مرگ در انتظار آنهاست و چه بهتر که از دارائی و ذخائر خود سهمی برای تنگدستان تعیین کنند و بالا اقل از مستمندان مجاور خود دستگیری نمایند قران الموت الذی تفرون منه فانه ملائیکم . یعنی بگو - مرگی را که از آن فرازمی نمائید بملاقات شمامی آید (قرآن) اعجاز قرآن - حرکت زمین

یکی از معجزات قرآن کریم اینست که در هر عصری، از آیات شریفه مطالبی بدست می آید که منطبق با کشفیات جدید آن زمان میباشد مثلاً حرکت زمین و کرویت زمین و امثال این حقایق نجومی در چهارده قرن پیش که قرآن نازل گردید و هیئت بطلمیوس رواج داشت ابتدا بخاطر احدی خطور نمیکرد و زمین را ساکن و مسطح دانسته تصور میکردند خورشید بدور زمین در گردش است - با اینحال و در چنین موقعی قرآن مجید حرکت و کرویت زمین و میلیاردها حقایق را با بیانی که امروز بهتر درک می گردد در آیات و مواضع متعدده اعلام و من جمله راجع به حرکت زمین در آیه ۵۳ سورة مبارکه طه چنین میفرماید

(الذی جعل لکم الارض مهداً ...) (آن خدا ای که قرار داد برای شما زمین را گهواره) در این آیه چنانکه ملاحظه می فرمائید زمین را بگهواره تشبیه فرموده است. البته مقصود از تشبیه بیان اوصاف مشابه است بوسیله صفات مشابه به پس برای فهم خصوصیات زمین باید اوصاف گهواره را در نظر گرفت - گهواره اولاً دارای حرکت است و اگر نتواند حرکت کند، لغت مهد بر آن صدق نمیکند پس زمین هم دارای حرکت میباشد تا نایاً مسیر حرکت گهواره بطور منحنی است علیهذا فهمیده میشود که زمین نیز حرکتش منحنی است و در هیئت ثابت گردیده است که مدار حرکت زمین بدور خورشید بصورت بیضی است ثالثاً حرکت گهواره يك مرتبه از زمین به یسار

و يك دفعه از يسار به يمين است در اينجا از يك مثال كوچك يينياز نيستيم فرض كنيد روي محيط يك دايره يا بيضی مورچه می در حرکت است و شما ناظر حرکت او هستيد حرکت اين مورچه نسبت بشما كه ثابت هستيد در يك موقع از طرف راست به چپ و در يك وقت از طرف چپ بر است ميباشد - حرکت زمين هم بدور خورشيد چون روي مدار بيضی شكل ميباشد بهمين طريق است . بنا بر آنچه گفته شد از تشبيه زمين بگهواره، قرآن مجيد چند نكته را منظور فرموده اند حرکت انتقالی زمين كه زمين ثابت نيست ثانياً منحنی بودن مدار حرکت زمين كه از اين دو نكته اين نتيجه ميشود كه :

(زمين روي مدار منحنی شكلی بدور خورشيد گردش انتقالی دارد) و اين موضوع يکی از ارکان علم هيئت است كه چندين قرن علمای دنيا را بخود مشغول داشت . علاوه بر نكات مذکور يکی ديگر از حكمت قرآن در اين تشبيه شايد اين می باشد كه خداوند ميخواهد بشر را با كلمه گهواره متوجه سازد كه در مقابل آخرت . انسان در دنيا مانند طفل است همانطوري كه طفل روز بروز بتكامل نزديك شده بزودی گهواره را ترك ميكند آدمی نیز در اين دنيا بايد بوسيله اجرائی او امر خداوندي خود را كامل نموده بالاخره اين عالم ناقابل را ترك نمايد ، بادر نظر گرفتن مراتب معروضه مسلم است كه بهتر از كلمه (مهد) تشبیهی نمی توان پيدا نمود كه از هر حيث موافق اوصاف زمين باشد . آری قرآن حقیقی است كه ضامن سعادت عالم و تا آخرین روز دنيا بر دانش و دين و تمدن و بر جهان سلطنت خواهد داشت .

(پرچم اسلام)

